

کودکی‌های کیارستمی

مهرداد حجتی

- هفته پیش در همین صفحه مقالهای به همین
 نام منتشر شد با عنوان «فراموش خانه کودکان».
 بر آن مقاله شعری از وضعیت کودکان داده شد
 به پی از این ابیای نقش در یک فیلم بزرگ وارد
 شد. «فراواقع» ستارگی می‌شوند که چندان با
 «دنیایی واقعی» کودکان‌شان تناسبی ندارد؛ «دنیایی
 فراواقع» که دوران کودکی‌شان را به‌هم می‌ریزد
 با سرنوشت آنها بازی می‌کند. آنها در مسیر
 به‌شدن‌شان می‌لید به‌بازی می‌شود در دوران کودکی‌شان
 بیشتر می‌شود تا آنجا که در میان‌سال‌ها، خود را
 کودکانی می‌بینند که همه سال‌های رشد و بلوغش
 قریب‌انی دوران کودکی لذت‌بخش و زودگذر کرده
 فقط یک‌بار پایش رخ داده است؛ همان دوران
 «دنیای فراواقع» را!

در میان همه فیلم‌سازان ایرانی به جرئت می‌توان گفت فقط یک فیلم‌ساز این «مخصوصیت» شکننده و آسیب‌پذیر «کودکانه را خوب درک کرده بود؛ هم‌ا که نخستین فیلم کوتاه تأثیرگذارش را به دنیا کودکانی داد و با پایان به این دنیا وفادار ماند. در «نان و پنجه» ترس مصفاوندگانه را در تصویر کرد. «مسافر» تلاش برای تحقق یک آرزوی نه‌چندان بزرگ کودکان را روایت کرد. در «هم‌سرایان» پیوند و همدلی ای حل یک مشکل کودکان را مطرح کرد. در «سفق» ب «سنگینی تحمل‌ناپذیر بار کفیه بر شانه تحکیم دوکان را تشریح کرد. در «قصه شکل اول، شکل دوم» مواجهه با مسئله در فضای کودکان را مدنظر قرار داد. در «خانه دوست کجاست» اصرار بر فهم دنیای رازآلود و «غیرقابل درک» کودکان را برای رنگان تمثیل کرد. او در همه آن سال‌ها کودکان‌های سینمایی‌اش را با شفت زوایای پنهان کودکان تکمیل کرد. او بیش از هر فیلم‌ساز صاحب‌سبکی دربارۀ دوکان فیلم ساخت. او نزدیک به سه دهه از پنج دهه عمر فیلم‌سازی‌اش را در دنیای کودکان گذراند. بارها بارها «مسائل کودکان» را واگشافت و هربار بیشتر از پیش ما را به آنها نزدیک کرد. توجه او به دنیای کودکان شاید از این‌رو بود که حساسیت‌ها و خطرات آن دنیا را می‌شناخت. سینمای او برای درگرمی نبود. بیشتر برای طرح مسئله بود. او در هر یک از آثارش به طرح یک یا چند مسئله می‌پرداخت. توجه آدم‌بزرگ‌ها را به آنها جلب می‌کرد. او حتی با ادغام، با نصیحت نادانست، همه‌قدر که

می‌توانست در فیلم‌هایش «طرح مسئله» کند برایش آفاقی بود. چون می‌دانست طرح مسئله به حل آن می‌انجامد. می‌رساند و جامعه را نسبت به آن مسائل حساس می‌کند. در صحنه‌ای نمادین در فیلم «خانه دوست جاست؟» پرسش معتمد داستان را تلاش برای ساندن دفتر مشق هم‌کلاسی‌اش ناچار باید از مقابل پوه‌خانه روستا که پدر بزرگش بیرون آن نشسته عبور کند. پدر بزرگ پسر بچه را می‌بیند که شتابان قصد عبور دارد. صدایش می‌زند و او می‌گوید: به تو دستور می‌دهم به خانه برگردی و سیگار را بر باد بپاوی. سر بچه پس از اندکی مقاومت ناچار می‌شود بی‌ظهور می‌تعمین کند! بعد پدر بزرگ رو به می‌رمورد بغل دستی می‌گوید: (قریب به مضمون) «من سیگار در جیب علم داشتم. می‌خواستم او را امتحان کنم». اما هر سبب به تعهد کودکان‌اش بیشتر پایبند است و این کار سخته‌ای از خود را به «دو پشته» می‌رساند اما منت دوست هم‌کلاسی‌اش را به دستش برساند! دیسه‌ای کودکانه» که از درک همه آدم بزرگ‌های بلم خارج است. گاه این عدم درک به مقاومتی اردهنده در برابر عزم و تلاش کودکان‌ای بدل می‌شود که از دنیای به ظاهر مهم همه آدم بزرگ‌ها مهمتر است! چون در عالم کودک‌کی کار نکاتی مهم‌اند که در عالم بزرگسالی چندان مهم نیستند. این‌رو درک به‌موقع آن نکات ما را به عالم کودکان دیک می‌کند و پنجره‌های تازه‌تری را برای ما باز می‌کند. «عباس کیارستمی» می‌تواند گشاید این پنجره‌های تازه به دنیای پر از کشفی کودکان است؛ سسه که بیمه و امیهای کودک‌کی می‌شناخت و آن‌ها جهان تازه خود را بر نمایش پر برده سینما می‌ساخت. او تا پایان زندگی مدام در حال گشودن همین پنجره‌های تازه بود؛ پنجره‌هایی برای رای یافتن به دنیای ناشناخته دیگران؛ دنیایی که همیشه به‌شبه‌ای در معصومیت کودکانه داشت و هرگز با هرگز گالی هم رنگ نداشت. آیا سینمای کیارستمی، بنیانی بر آمده از کنجکاو‌های کودکانه بود؟

شناکردن خلاف جهت آب؛ از سینما «کایری» تا «هنر و تجربه»

بگذار نهال «هنر و تجربه» درخت شود



نوشت، «سینمای هنر و تجربه» پاسخی منطقی و کارشناسی به مطالبات فروخته و پاسخ‌نگرفته بخش مهمی از فعالان تاریخ سینمای ایران است. صدها فیلم مهم تاریخ سینمای ایران که دارای ارزش‌های هنری و تجربی بوده‌اند، به دلیل فقدان عوامل و شاخص‌ها و جاذبه‌های اقتصادی از چرخه نمایش سینماها حذف شده‌اند یا به بدترین نحو ممکن در صورت نمایش در سینماها، تحقیر و سرکوب شده‌اند. احمد طالبی‌نژاد، منتقد، درباره تأثیر سینمای هنر و تجربه بر جریان سینمای کشور به «شرق» می‌گوید: «محببت از ایران فیلم‌های غیرمتعارف در سینمای ایران به سال‌ها پیش برمی‌گردد و مصائبی که برای اکران چنین فیلم‌هایی در جریان بوده است. واقعیت این است که این روزها کمتر کسی از این موضوع صحبت می‌کند که اگر امروز از سینمای تجربی حرف می‌زنیم، اگر در دهه ۵۰ سینما خارج از جرایم مهدی می‌توانید بنا به مثل طبعیت‌های آن در جریان معمول سینمای آن دوران مثل طبیعت بی‌جان و معقول‌ها و... در آن نمایش داده نمی‌شد، معلوم نبود که آیا از آن جریان سینمایی در ایران چیزی به جا می‌ماند یا خیر؟ او ادامه می‌دهد: «بعد از انقلاب تعدادی از این جنس پیدا ساخته شد که امکان نمایش در سینماها را فراهم نکرد و عملاً در آرشو ماندند و پیش از آغاز به کار سینمای هنر و تجربه بسیاری از جریان‌هایی که سعی داشتند این نوع سینما را سرپا نگه دارند، شکست

خوردند و گروه سینمایی هنر و تجربه عملاً نقطه آمید بسیاری از فیلم‌سازیانی شد که به هر دلیلی علاقه‌ای به ساخت فیلم‌های تجاری ندارند و به نوع دیگری از فیلم‌سازی علاقه‌مندند، «طالبی‌نژاد در بخش دیگری از صحبت‌هایش می‌گوید: «نوعی از سینما و جوش دارد که قرار نیست همه مردم ایران دیدن فیلم‌ها و هجوم بیاورند. در کتاب به روایت ناصر تقوایی که به ناکارش در آورده‌ام، تقوایی جمله زیبایی درباره این سینما می‌گوید و آن این است که: «این نوع از فیلم‌ها وظیفه توسعه زبان سینما و اشاعه فرهنگ و هنر سینما را بر عهده دارند. تأثیر این نوع فیلم‌ها بیشتر روی کسانی است که با مربوط به قشری است که در رسته سینما تحصیل می‌کند یا هنرجوان سینمایی یا مخاطبانی که این نوع سینما را می‌پسندند و هنر و تجربه بنا شد به نیاز بخشی از مخاطبان سینمای ما که علاقه‌مند به چنین فیلم‌هایی هستند پاسخ داده شود. او در ادامه می‌افزاید: «در این مدت فیلم‌ها دیگری نیز در گروه سینمایی هنر ایران جاری شد که به اصطلاح چرخش بچرخد و اکران فیلم‌های هنری هیچ ضربه‌ای به سینمای بدنه نمی‌زند و اتفاقاً بخش دیگری از مخاطبان سینمای ایران را راضی نگه می‌دارد. نمی‌دانم صحبت‌های اخیر آقای اسعدیان دقیقاً درباره چیست؟ و چرا از جایگاه مدعی‌العموم به جدال با جریان هنر و تجربه آمده است؟ و از بخش من این جدال بی‌حاصل است، «طالبی‌نژاد در بخش

گفت‌وگو با سیامک صفری، نویسنده، بازیگر و کارگردان نمایش لامبورگینی

اینها متفاوت اند پس خنده دارند



برپرس تاتار شهزاد روی صحنه خواهم رفت. جدیدترین نمایش سیاه صفری و اشکان قرار بود در این نمایش حضور داشته باشد و حبیبدین معالعات هنری با آن مخالفت کرد. کرده لامبورگینی ضمن تشکر ویژه از همراهی و حضور حمید اعلام کرد: یک ویژه‌ای که او به اجرای آن اثر داشته است. اعلام نمایشی مطابق برنامه قبلی از ۲۲ تیر در پردیس نمایشی می‌رود و پیش‌فروش تیکت در سامانه توال همچنان برای هر شب ساعت ۲۱:۳۰ روی صحنه می‌رود.

داستان نمایش لامبورگینی چیست؟

خواب است که اینها در قبرستان زندگی و با هم و ما از نگاه و زبان این دوتا محیط اطراف را می بینیم. ای ترین افراد هستند و اصلا وارد بازی های اجتماعی و از هر چیزی قرار گرفته اند، بیان متفاوتی از جامعه

➤ به‌گونه‌ای نمایش مدرنی باید باشد؟

فصلی نداریم و ما به دنبال ایجاد یک فضا هستیم که فضا مشخص می‌شود و گر نه اینکه بخواهیم بنابر مشخصی اشخاص را معرفی کنیم و نمایش بر اساس چنین چیزی نداریم. دیالوگ‌ها یک موقعیت را نشان می‌دهد و در مدت یک ساعت اجرا با این فضا آشنا می‌شوند و بوده باشیم.

تجربه‌های قبلی‌تان این کار از چه جایگاهی برایتان

ن را دوست دارم و باید دید این کار چقدر مخاطب
سلیقه‌ها و علاقه‌مندی‌هایش سازگار است. فعلاً
می‌کنم شب اول اجرا دستمان خواهد آمد که قرار
مقتد.

➤ با توجه به اتفاقات و حواشی پیش از اجرا دقیقا کی افتتاحیه

دیگری از صحبت هایش می‌گوید: «دوستانی که در خطه سینمای هنر و تجربه کار می‌کنند، پستوانه آینده سینمای ایران هستند و اتفاقاً این سینما باز به حمایت دارد و سینماگرانی امثال امیر یوسفی و شهرام مکرری و فیلم‌سازان درخشانی از این دست روزبه‌روز به تعدادشان اضافه می‌شود و این جریان سینمایی در حال رشد است».

و ادامه می‌دهد: قطعا من هم انتقادهایی به گروه سینمای الهدی انتقال دادم؛ که آن‌ها را به مواردی به آسانی می‌توانستیم منتقل کنیم، اما متعجیبم که چرا عده‌ای شیشه به ریشه آن می‌زنند؟ در تمام ۲۷، ۲۸، ۲۹ ساله‌ای که درباره سینمای ایران نوشتم و سعی کردم به سینمای ایران کمک کنم، وظیفه خود می‌دانم مقابل جریان تخریب سینمای هنر و تجربه نیز ایستم و از این گروه سینمایی و تأثیر آن که در فضای سینمای ایران دارد حمایت کنم.

باید برای ادامه مسیر فکری کرد

اما سیروس الوند درباره گروه سینمایی هنر و تجربه و تأثیراتی که بر جریان حرفه‌ای سینمای ایران داشته، به «شرق» می‌گوید: «گروه وجود گروه سینمایی هنر و تجربه خوب است. این گروه سینمایی زمانی به وجود آمد که برخی فیلم‌ها نیاز به نمایش داشتند و در چرخه حرفه‌ای نمایش هم جایی نداشتند و هنر و تجربه به کمک این فیلم‌ها آمد». او ادامه می‌دهد: «اما در این میان برخی فیلم‌ها در این گروه سینمایی به نمایش گذاشته شد که خیلی ارتباطی با هنر و تجربه نداشتند و الان این گروه سینمایی به جای رسیدن است که باید درباره ادامه مسیرش برنامه‌ریزی کرد. این موضوع ارتباطی هم با مدیریت یک نفر ندارد و نمی‌توان به آقای علم‌الهدی انتقاد کرد. مقصود این است که باید برای ادامه مسیر فکری کرد که هر فیلمی در این گروه سینمایی نمایش داده نشود. مثلاً، فیلم فروشنده فیلمی نیست که بتوان در اکران‌های گسترده هنر و تجربه جای داد و نفس حضور هنر و تجربه برای فیلم‌ها است که حقیقتاً نیاز به فضای برای دیده‌شدن دارند. نهال «هنر و تجربه»، نوپاست؛ اما به گواه بسیاری از دست‌اندرکاران هنر فتنم در گذشته موفق بوده. امید است این نهال با همیاری و همکاری مجموعه نهادهای دولت، صنوف سینما و مخاطبان فعال سینما تبدیل به درختی تنومند شود.

خبرسازان

طول کشید تا بیضایی فیلم بسازد

- **گروه هنر:** پرویز جاهد، منتقد و پژوهشگر سرنشاس کشور، در گفت‌وگویی مفصل درباره سینمای پس از انقلاب گفته است. سینمای پس از انقلاب وامدار چه کسانی است و چگونه به پیشرفت امروزی خود رسید؟ پرویز جاهد می‌گوید: خیلی طول کشید تا امثال بیضایی و دیگران توانستند دوباره فیلم بسازند. بیضایی با «مرگ بزرگدر» شروع می‌کند. تقوایی خیلی دیرتر، کیمیایی «خط قرمز» و مهرجویی «مدرسه‌ای که می‌رفتیم» را می‌سازد که همه یک جورهایی سیاسی هستند و به انقلاب براندانه و همگی در گفتمان سیاسی، انقلابی و تاریخی ساخته می‌شوند. به گزارش ایلنا، جاهد می‌گوید: اصلا وضعیت سینما بعد از سال‌های ابتدای انقلاب یک وضعیت برزخی است. در آن زمان روی موجودیت سینما بحث بود؛ اینکه باید باشد یا نباشد. سینما به‌عنوان مظهر رژیم فاسد گذشته و پدیدهای مبتذل مطرح بود و انقلاب یک جورهایی با یورش به سینماها، می‌کدها و فاحشه‌خانه‌ها آغاز می‌شود؛ یعنی همه اینها در یک ردیف قرار می‌گیرند و مورد ششم جامعه مذهبی و انقلابی‌اند. در آن زمان سینما از نگاه برخی انقلابیون و بخش‌هایی از مردم جامعه، در کنار فحشا و میخواری قرار می‌گیرد. دیدگاه عمومی به سینما منفی است و به آن‌ها عنوان پدیدهای مذموم و شیطنانی نگاه می‌شود. خیلی‌ها می‌گفتند تا این وضعیت رها شویم، در آن سال‌ها تلاش و مبارزه اصلی سینماگران برای اثبات مشروعیت سینما در جامعه ایران است. قزاق‌تو امام خمینی (ره) نبود که گفت سینما با فحشا فاصله دارد، حالا امروز سینمایی در ایران وجود ندارد؛ هیچ‌چیزی از روحانیون سنگ‌ترا با موجودیت سینما مخالف بودند و وجودش را نمی‌خواستند. اگر آن فتوا نبود، اصلا سینما ادامه پیدا نمی‌کرد. در چنین وضعیت برزخی‌ای که سینما می‌ماند و نمانند معلمان است، خود سینما هم بلاکلیف هستند. سینماگران قبل از انقلاب و همه عوامل سینما درگیر آن هستند. عده زیادی که ترسیدند، جمع کردند و فرار کردند و عده زیادی هم به‌خاطر فعالیتشان در فیلمفارسی و سینمای جاهلی به محکمه‌ها فراخوانده شدند. موج‌نوی‌ها با سینماگران روشنفکر با اینکه به‌دیده دیگری به آنها نگاه می‌شد و به‌هرحال یک‌شدت آلوده فساد سینمای فارسی بودند یا نه، دید نظام موجود و نیروهای انقلابی اراده نمودند، اما باهم وضعیت روشنی نداشتند. وی می‌افزاید: خیلی طول کشید تا امثال بیضایی و دیگران توانستند دوباره فیلم بسازند. شاید حداقل یکی، دو سال. بیضایی بعد از انقلاب با «مرگ بزرگدر» شروع می‌کند. تقوایی خیلی دیرتر شروع می‌کند. کیمیایی «خط قرمز» و مهرجویی «مدرسه‌ای که می‌رفتیم» را می‌سازد که همه اینها یک جورهایی سیاسی هستند و به انقلاب ربط دارند. مهرجویی بعد به فرانسه مهاجرت می‌کند، اما خیلی آتجا نمی‌ماند و زود به ایران برمی‌گردد. بیضایی در یک بستر تاریخی، یک وضعیت انتقالی را از یک دوره تاریخی به دوره تاریخی دیگر با ناملزنامه و فیلم درخشان (مرگ بزرگدر) نشان می‌دهد که در آن بین وضعیت انقلابی و دگرگونی سیاسی در جامعه ایران असروز و انقلاب، با وضعیت تاریخی پیش از اسلام و تغییر حکومت ساسانی شباهتهایی وجود دارد. این فیلم‌ها در گفتمان سیاسی، انقلابی و تاریخی ساخته می‌شوند.

گروه هنر: در پی انتشار صحبت‌های هیئت‌مدیره خانه سینما در نشست خبری اخیر خانه سینما منجر به عدم شایکت و پیگیری سازندگان فیلم «ععبانی نیستیم!»، رضا درمیشیان، پیوسته، کارگردان و تهیه‌کننده این فیلم، به این سخنان واکنش نشان داد. به گزارش ایسنا، رضا درمیشیان نوشت: «جهت اطلاع شایکتیم در خصوص قاجاق، سرقت و انتشار غیرقانونی نسخه یازبینی فیلم «ععبانی نیستیم!» هم در پلیس فتا ثبت شده و هم در بازپرسی شعبه ۹ دسرای فرهنگ و رسانه. همچنان در انتظار نمایش عمومی فیلم داریم پروانه نمایش «ععبانی نیستیم!» هم به‌ر دست مخلفان و کنترنگ‌نگاران غیرقانونی فیلمم هستم. البته شایستگی، «خانه سینما» درباره بکتری قاجاق

واکنش‌ها به نسخه قاچاق «عصبانی نیستم!»

فیلم «عصبانی نیستم» توضیحاتی ارائه کرد. علی قائم‌قامی هم اظهار کرد: «شکایت مطرح شده از سوی آقای درمیشیان از سوی خانه سینما به نیروی انتظامی ارسال شده تا اقدامات قانونی در این پیگیری صورت گیرد و هم‌اکنون موضوع در حال پیگیری است. این مسئله را من شخصا همان زمان به آقای درمیشیان اعلام کردم و ایشان گفتند در یکی، دو روز آینده پیگیری می‌کنم. تا آن زمان به توافق صورت گرفته با فرامده محترم انتظامی تهران بزرگ درخصوص مبارزه با قاچاق احتمالی فیلم، خانه سینما به‌عنوان جابجاء اصناف سینمای ایران در ابتدا اعلام شکایت می‌کند و پیگیری‌های بعدی برعهده شخص شاکی و مالک فیلم است».

نوبت اول

13961722: 0.13

حلهای شماره: ۹۶/۴۰۵۱

غذا و اداره رستوران بالاشگاه چهارم

نام و نشانی مناقصه‌گزار	استان یوشهر- عسلویه- منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس- شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی- پالایشگاه چهارم (فاز ۶.۷.۸)- خدمات پیمانها
آخرین مهلت اعلام آمادگی و تحویل رزومه متقاضیان شرکت در مناقصه	۹۶/۵/۱۵
مهلت تحویل اسناد مناقصه به شرکت‌های واجد صلاحیت	۹۶/۶/۲۵
مهلت تحویل پیشنهادات مالی/ ضمانتنامه توسط متقاضی‌گران	۹۶/۷/۱۰
تاریخ بازگشایی پیشنهادات	۹۶/۷/۱۱
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	پس از اتمام مرحله ارزیابی صلاحیت، مبلغ ۳/۵۰۷/۲۰۰/۰۰۰ ریال به صورت یکسی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین معاملات دولتی شماره ۶۵۹۷/ت/۲۳۴۰۲-۵۵ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران، تبصره: در صورت ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت وجه نقد، مبلغ نقدی می‌بایست به شماره حساب ۰۷۱۱۱۱۴۴۴۰۰۷ بانک ملی شعبه عسلویه کد ۷۷۲۵ به نام پالایشگاه چهارم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی واریز و فیش واریزی ارائه گردد.

حجت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس ها، WWW.SPGC.IR - WWW.TENDER.BAZRASLIR - WWW.IETS.MPORG.IR مراجعه فرماید